



از جلال الدین
تاسراج الدین

۶

صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

سال شانزدهم
شماره ۳۸۴۶
یکشنبه
۳۰ دلو ۱۴۰۱
۱۹ فبروری ۲۰۲۳

تعارض گفتار و رفتار!

طالبان گلیم دسترسی به اطلاعات را برچیده‌اند

فروپاشی نظام جمهوری در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ علاوه بر ایجاد بحران بشری و اقتصادی، فصل تاریک رسانه‌های افغانستان را نیز رقم زده است. رسانه‌هایی که پیش از سلطه طالبان از دستاوردهای مهم بیست‌ساله افغانستان شمرده می‌شدند، اکنون با وضع مقررات سخت‌گیرانه طالبان در وضعیت ناگواری به سر می‌برند. در حال حاضر خبرنگاران و رسانه‌ها در کشور با سانسور شدید، خفقان، سرکوب، بازداشت و عدم دسترسی به اطلاعات آزاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند.



۳ صفحه

صبح ۸
روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

تصمیم تازه مدیریت ترافیک غزنی؛

جوازهای راننده‌گی دوره جمهوریت فاقد اعتبار است



بیشتر موتورداران و راننده‌گان در دو دهه گذشته با سپری کردن دوره‌های آموزشی و پرورسه طولانی آزمون، جواز راننده‌گی به دست آورده‌اند. اکنون اما اداره ترافیک زیر اداره طالبان در غزنی اعلام کرده که جوازهای راننده‌گی دوره جمهوریت فاقد اعتبار است؛ زیرا به باور آنان همه این جوازها بر مبنای فساد اداری و مالی برای افراد توزیع شده است. از همین رو، مدیریت ترافیک غزنی از راننده‌گان خواسته است تا مراحل آموزشی و آزمون راننده‌گی را دوباره سپری کنند و جواز راننده‌گی جدید به دست بیاورند. شماری از راننده‌گان وسایط نقلیه و موتورداران در غزنی با انتقاد از این اقدام تازه طالبان می‌گویند، بیشتر افراد طالبان که در سطح شهر به راننده‌گی می‌پردازند...



استانکزی:

هیچ «مخالفت و سرکشی» در میان طالبان وجود ندارد

۸صبح، کابل: به دنبال بروز اختلاف‌ها میان اعضای گروه طالبان، معین وزارت امور خارجه این گروه گفته است که اعضای طالبان چه موافق باشند چه نباشند، از اوامر «امیر» اطاعت می‌کنند و هیچ «مخالفت و سرکشی» در میان‌شان نیست. شیرمحمد عباس استانکزی روز جمعه، ۲۸ دلو، در مراسم فراغت شاگردان یک مدرسه دینی در کابل گفته که یکی از رازهای موفقیت این گروه، موجودیت «یک صف واحد» است و این که هیچ‌کسی «مشکل» ایجاد نمی‌کند. او افزوده است: «ما با امیر خود بیعت کرده‌ایم. هر تصمیمی که او می‌گیرد، اطاعت از آن را واجب می‌دانیم.» استانکزی خاطرنشان کرده است: «امریکایی‌ها میلیون‌ها دالر هزینه کردند تا در میان اعضای طالبان درز ایجاد کنند، اما موفق نشدند.» این در حالی است که پیش از این عبدالسلام حنفی، معاون اداری ریاست‌الوزرای طالبان و سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت امور داخله این گروه از رهبری طالبان به‌دلیل «انحصار قدرت» و آموزش دختران انتقاد کرده بودند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان نیز موجودیت این اختلافات را رد کرده است.

واشنگتن پست:

طالبان سیستم قضایی افغانستان را نابود کرده‌اند

بربنیاد این گزارش که روز شنبه، ۲۹ دلو، نشر شده، طالبان زندان‌ها را پر از مردان و زنان کرده و شبکه‌های امنیت اجتماعی برای محافظت از افراد آسیب‌پذیر را از بین برده‌اند. استفاده از رسانه‌ها برای ترویج دیدگاه‌های خودی و منع موسیقی و حضور زنان در اجتماع از دیگر دستورهای ظالمانه طالبان گفته شده است. منتقدان طالبان در این گزارش گفته‌اند که طالبان نظم مبتنی بر ارباب و ترس را جایگزین نظم اجتماعی مبتنی بر حقوق بشر کرده‌اند. طالبان پس از به قدرت رسیدن در افغانستان، مرتکب نقض گسترده حقوق بشر شده و همچنان به این کار ادامه می‌دهند. راه‌اندازی دادگاه‌های صحرایی یکی از مواردی است که نشان می‌دهد طالبان هیچ اهمیتی به سیستم قضایی معمول و پذیرفته شده در جهان نمی‌دهند.



۸صبح، کابل: واشنگتن پست در گزارشی گفته است که طالبان برای ایجاد امارت دینی، سیستم قضایی نافذ در حکومت پیشین افغانستان را از بین برده‌اند.

یک کودک سیزده‌ساله در پی شلیک نظامیان پاکستانی در پکتیکا کشته شد

۸صبح، پکتیکا: منابع محلی در پکتیکا می‌گویند که یک کودک سیزده‌ساله در اثر شلیک نظامیان پاکستانی در این ولایت کشته شده است.



منابع محلی در پکتیکا می‌گویند که این کودک فیض‌الله نام داشت و پس از چاشت روز جمعه، ۲۸ دلو، در ساحه تهنیدی مرغه ولسوالی برمل ولایت پکتیکا در نزدیکی خط دیورند کشته شده است. به گفته منابع، این کودک زمانی مورد شلیک گلوله نظامیان پاکستانی قرار گرفت که سرگرم چراندن مواشی بود. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. چندی پیش نیز یک غیرنظامی در روستای مرغه

۴ صفحه مبنای حقوقی ساخت کانال قوش‌تپیه در عرف و حقوق بین‌الملل

این کانال ۲۸۵ کیلومتر طول دارد که قرار است با عمق شش‌ونیم متر و پهنای ۱۵۲ متر در سه مرحله ساخته شود.



۷ صفحه جنگ ملی‌گرایان هندو با شاهرخ خان؛ مودی در حال شکست در برابر بالیوود است



اوجا: تامین آب سالم برای ۱۴ میلیون تن در افغانستان به ۴۷۹ میلیون دالر نیاز دارد



۸صبح، کابل: دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوجا) گفته است که در پی خشک‌سالی‌های متواتر در افغانستان، ۴۷۹ میلیون دالر برای تسهیل دسترسی به آب سالم و جلوگیری از بیماری برای ۱۴ میلیون تن نیاز است. اوجا روز جمعه، ۲۸ دلو، با نشر توییتی نوشته که افغانستان به شدت تحت تاثیر سه خشک‌سالی متواتر قرار گرفته است. این نهاد افزوده که خشکسالی در سال ۲۰۲۲ تعداد خانواده‌های نیازمند به آب آشامیدنی را هفت درصد افزایش داده است. اوجا همچنان اضافه کرده است که ۱۲ درصد خانواده‌ها در دسترسی به آب سالم با مشکل مواجه هستند. این در حالی است که مناطق مختلف افغانستان در تابستان سال جاری با خشک‌سالی روبه‌رو بودند.

ملا هبت الله: «دشمن» در میدان نظامی شکست خورده است



۸ صبح، کابل: ملا هبت الله، رهبر طالبان، در دیدار با شماری از مقام‌های ولایتی و علمای وابسته به این گروه گفته است که «دشمن» در میدان نظامی شکست خورده است، اما در زمینه تبلیغات باز هم برای تشویش اذهان و بی‌باوری مردم نسبت به نظام اسلامی تلاش می‌کند.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، روز شنبه، ۲۹ دلو، با نشر تویییتی از دیدار رهبر طالبان با والیان، مسوولان نظامی و ملکی و عالمان ولایت‌های بدخشان، نیمروز، هرات، فراه و بادغیس خبر داده است.

بر اساس گفته‌های مجاهد، ملا هبت‌الله از این مقام‌های طالبان خواسته است که از «قومیت و منطقه‌گرایی» دوری کنند و کار را به اهل کار

بسپارند. رهبر طالبان همچنان در این دیدار گفته است که مردم باید به «اصول نظام اسلامی» آگاه شوند. او تصریح کرده است که مسوولان طالبان ابتدا باید خود را اصلاح و با شریعت عیار کنند. در این تویییت به نقل از رهبر طالبان آمده است که در ۲۰ سال گذشته تلاش‌های زیادی برای تغییر اذهان عمومی صورت گرفته و اکنون این گروه و علما باید شبانه‌روزی برای روشننگری اذهان مردم تلاش کنند.

سخنگوی طالبان در مورد مکان این دیدار جزئیات ارایه نکرده است. پیش از این نیز رهبر طالبان گفته بود که فشار جهانیان بالای این گروه تاثیری ندارد.

اعتراض خبرنگاران افغان در ایران؛ «فراموش نهادها و کشورهای حامی خبرنگاران شده‌ایم»

۸ صبح، کابل: شماری از خبرنگاران افغان در یک گردهمایی اعتراضی در تهران، پایتخت ایران، خواهان توجه جهان به وضعیت خبرنگاران افغان شده‌اند.

آنان روز شنبه، ۲۹ دلو، در یک فضای سرپسته نشست اعتراضی برگزار کرده‌اند. خبرنگاران افغان در ایران می‌گویند که از چندین ماه به این سو در بی‌سرنوشتی به سر می‌برند و نهادهایی که تعهد کرده بودند تا آنان را به کشورهای دیگر انتقال دهند، تا کنون اقدامی نکرده‌اند.

آنان می‌گویند: «فراموش نهادها و کشورهای حامی خبرنگاران شده‌ایم.»

خبرنگاران افغان در ایران از کشورها و همچنان نهادهای پشتیبان رسانه‌ها و خبرنگاران خواستار تخلیه هر چه زودترشان از این کشور هستند.

بربنیاد آمارهای تأیید نشده، در حال حاضر دست‌کم ۸۰ خبرنگار افغان با خانواده‌هایشان در ایران زنده‌گی می‌کنند. آنان پس از تسلط طالبان بر افغانستان، به دلیل تهدیدهای امنیتی‌ای که از سوی طالبان متوجه خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای است، به ایران رفته‌اند.



مکتب انتقادی کابل:

تعلیم بانوان حق معاملات سیاسی سیاست‌سواران نیست

۸ صبح، کابل: مکتب انتقادی کابل با راه‌اندازی یک اعتراض مدنی گفته است که تعلیم بانوان حق معاملات سیاسی «سیاست‌سواران» نیست و «سکوت شرم‌آور» جهان در برابر زنان افغانستان این را می‌رساند که تمام ارزش‌های انسانی می‌تواند در معاملات سیاسی زیر پا شود. مکتب انتقادی کابل روز شنبه، ۲۹ دلو، این حرکت مدنی را راه‌اندازی کرده و قطع‌نامه پنج‌شماره‌ای صادر کرده است.

در قطع‌نامه آمده است که تعلیم تجارت نیست تا از آن زمینه زراندوزی برای اهل درآمد میسر شود.

به گفته مکتب انتقادی کابل، زن نباید بهانه‌ای برای امتیاز سیاسی شود.

در قطع‌نامه آمده است: «فقر، تباهی، بیماری و قتل عام نمی‌تواند اقتدار برای طلب قدرت باشد. قدرت برخاسته از ظلم پایان تاریک و بدبختی دارد که هر روزه شاهد این بدبختی هستیم و با کتمان حقیقت نمی‌شود ملت گرسنه و دردکشیده و بیمار، در پهنای یک جغرافیا را به بنده‌گی گرفت.»

این اعتراض‌ها در حالی صورت می‌گیرد که طالبان از آغاز تسلط مجدد بر کشور، دروازه مکاتب دخترانه را با روی دختران بالاتر از صنف ششم بسته‌اند.

طالبان در آخرین تصمیم‌شان دروازه دانشگاه را نیز به روی دختران مسدود و زنان را از کار در موسسه‌های داخلی و خارجی منع کرده‌اند.



انفجار بمب دستی در خانه یک جنگ‌جوی طالب در لغمان جان همسر و کودکش را گرفت

منابع محلی می‌گویند که این رویداد ساعت ۱۰:۰۰ پیش از جاشت روز شنبه، ۲۹ دلو، در ساحه چهارباغ ولسوالی قرغه‌ای ولایت لغمان رخ داده است.

انفجار زمانی رخ داده که کودک این جنگ‌جوی طالب به حلقه بمب دستی موجود در چانته تجهیزات پدرش دست زده است. طالبان در لغمان هنوز در مورد این رویداد چیزی نگفته‌اند.

رویدادهای ناشی از موجودیت جنگ‌افزارها نزد طالبان در گذشته نیز سبب کشته و زخمی شدن افراد شده است.



۸ صبح، لغمان: منابع محلی در لغمان می‌گویند که در پی انفجار بمب دستی در خانه یک جنگ‌جوی طالب، همسر و پسرش کشته شده‌اند و یک پسر او زخم برداشته است.

کمیسیون حقوق بشر:

پس از تسلط طالبان بر افغانستان، فعالان مدنی در وضعیت ترسناکی به سر می‌برند



۸ صبح، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در واکنش به بازداشت نرگس سادات و اسماعیل مشعل گفته است که پس از تسلط طالبان بر کشور، فعالان مدنی به‌ویژه فعالان حقوق زنان در وضعیت سخت و ترس‌ناکی به سر می‌برند. این کمیسیون روز شنبه، ۲۹ دلو، با نشر خبرنامه‌ای نوشته که بازداشت‌های خودسرانه و بدون دلیل از سوی طالبان، سبب تشویش مردم افغانستان شده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر علاوه کرده است که بازداشت فعالان مدنی بر دشواری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم افغانستان می‌افزاید. این نهاد از طالبان خواسته است تا هر چه زودتر همه فعالان مدنی بازداشت‌شده را از زندان‌ها و

توقیف‌خانه‌های‌شان رها کنند. به گفته این کمیسیون، فعالیت‌های مدنی حق اساسی هر شهروند است و هیچ ساختار سیاسی و دولتی حق مصادره و محدودیت این حق را ندارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر از نهادهای فعال در زمینه حقوق بشر همچنان خواسته است تا صدای مردم افغانستان را بشنوند و برای احقاق حقوق بازداشت‌شده‌گان سیاسی و مدنی به‌گونه جدی دادخواهی کنند.

گفتنی است که اسماعیل مشعل چندی پیش از سوی طالبان به دلیل اعتراض علیه ممنوعیت آموزش و تحصیل دختران بازداشت شد. پس از آن نیز نرگس سادات در یک پاسگاه امنیتی در منطقه پل‌سرخ شهر کابل توسط طالبان بازداشت شد.

زنان در زندان‌های طالبان؛ جهان نباید خاموش بماند

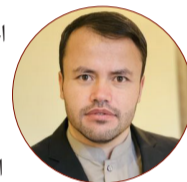
در فضای سرکوب رسانه‌ای که بر افغانستان سایه سنگین خود را گسترده، کمتر خبر سانسور نشده‌ای به جهان بیرون درز می‌کند؛ به‌جز آن چه که حاکمان کنونی می‌خواهند، خبرهای دیگر فیلتر و سانسور می‌شود. به‌ویژه خبرهای مربوط به زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌های گوناگونی که برای دست‌گیری و شکنجه مخالفان به راه انداخته‌اند. منابع غیررسمی از داخل کشور گزارش‌های ترسناکی از زندان پل‌چرخ و محابس استخبارات و وزارت داخله می‌دهند. طبق این گزارش‌ها، ادارات وابسته به ملا برادر در برابر دیگر مراجع این گروه پاسگو نیست و سخت‌ترین خشونت‌ها در برابر دستگیرشده‌گان در آنجا اعمال می‌شود. همچنان ادارات وابسته به سراج‌الدین حقانی به سایر رهبران این گروه اعتنایی ندارد و به کسی اجازه نظارت بر کارهایش را نمی‌دهد. دستگاه استخبارات خود به دولتی در درون دولت تبدیل شده است که هر ریاستش برنامه خاصی را به پیش می‌برد؛ از دستگیری، شکنجه، محاکمه غیرقانونی گرفته تا انواع اقدامات دور از نظارت دستگاه‌های عدلی و قضایی.

دستگیری، حبس و شکنجه متوجه طیف‌های مختلفی از شهروندان است، اما بخشی از آسیب‌پذیرترین قربانیان این روند زنان هستند؛ چه زانی که به دلیل اعتراض علیه سیاست‌های زن‌ستیزانه این رژیم دستگیر شده‌اند و چه زانی که قربانی خشونت‌های خانوادگی هستند و بدون محاکمه به حبس انداخته شده‌اند. در مورد تعداد این زنان آمار دقیقی در دسترس نیست، اما طبق گفته این منابع، صدها زن تنها به جرم اعتراض دستگیر شده و مورد آزار و تعذیب قرار دارند.

زنانی که تجربه حبس و دست‌گیری داشته‌اند، داستان‌های تکان‌دهنده‌ای از شکنجه‌های فیزیکی و روانی را حکایت می‌کنند. یکی از طریقه‌های شکنجه روانی برای زنان، حبس آنان در محیطی مردانه است. در جایی که پیرامون‌شان سلول‌های مردان قرار دارد و پیوسته صدای شکنجه از آنجا به گوش می‌رسد. علاوه بر این، نبود مأموران زن در زندان‌ها، سنگینی شکنجه روانی زنان را چند برابر می‌کند و آنان را در فضای خشم مردان شکنجه‌گر قرار می‌دهد. شکنجه‌های بدنی نیز انواعی دارد، اما بدترین آن‌ها وارد کردن ضربه‌های مشت و لگد به قسمت‌های حساس بدن شماری از بانوان است تا امکان نشان دادن به کسی وجود نداشته باشد و اگر هیأتی برای بررسی بیاید، امکان طرح شکایت در آن مورد وجود نداشته باشد. جالب این است که این اعمال از سوی کسانی انجام می‌شود که نگاه کردن به زن و سخن گفتن با او را ناروا می‌دانند، اما کوبیدن مشت و لگد به حساس‌ترین قسمت‌های بدن زنان و در هم شکستن روح و روان آنان را روا می‌شمارند.

تا هنگامی که دست‌گیری و بازداشت متهمان بر اساس قانون و با حکم رسمی قاضی نباشد و دست مراجع امنیتی و استخباراتی از رفتارهای خودسرانه کوتاه نشود و نظارت جدی از سوی نهادهای حقوقی بین‌المللی بر زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌های این گروه به صورت پیوسته جریان نداشته باشد، این شکنجه‌ها ادامه خواهد یافت. دست‌گیری‌های بی‌رویه همچنان زنده‌گی مردم را آکنده از ترس و رعب نگه خواهد داشت و نقض سازمان‌یافته حقوق بشر به وضعیتی هنجارین ارتقا پیدا خواهد کرد. نباید زنان افغانستان در چنگ زن‌ستیزترین گروه تروریستی دنیا تنها بمانند؛ زیرا این جنایت‌ها تنها متوجه دست‌گیرشده‌گان نیست، بلکه برای پخش رعب و وحشت در میان تمام زنان این کشور است تا ناتوانی از مطالبه حقوق انسانی به وضعیتی دائمی تبدیل شود.

طالبان گلیم دسترسی به اطلاعات را برچیده‌اند



امین کاوه

احترام به حق دسترسی به اطلاعات از مهم‌ترین مولفه‌های حکومت‌های پاسخگو است. این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز گنجانده شده و دولت‌های عضو سازمان ملل مکلف به رعایت آن شده‌اند. حکومت‌های مردم‌سالار، حق دسترسی به اطلاعات از اجرائات‌شان را در قوانین خود مورد حمایت حقوقی قرار داده‌اند. این حق در کاهش فساد و شفافیت در اجرائات نهادهای دولتی از اهمیت زیادی برخوردار است. دسترسی به اطلاعات تنها وابسته تقاضا نیست، بلکه دولت‌ها مسوولیت دارند تا با ایجاد سیستم‌های شفاف بستر تحقق این حق را فراهم سازند. با فروپاشی نظام جمهوری و لغو قوانین قبلی، طالبان اعلام کردند که قانون دسترسی به اطلاعات دوره جمهوری نافذ است؛ اما خبرنگاران از عدم دسترسی به اطلاعات و وضع محدودیت‌های گسترده در این زمینه شکایت دارند. به باور آنان، رسانه‌ها از حق دسترسی به اطلاعات آزاد محروم‌اند و سخنگویان طالبان در برابر تقاضای اطلاعات، پاسخ رد می‌دهند یا وقت‌کشی می‌کنند. در این میان خبرنگاران زن با مشکلات گسترده‌تری مواجه‌اند و طالبان به آنان اطلاعات نمی‌دهند.

فروپاشی نظام جمهوری در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ علاوه بر ایجاد بحران بشری و اقتصادی، فصل تاریک رسانه‌های افغانستان را نیز رقم زده است. رسانه‌هایی که پیش از سلطه طالبان از دستاوردهای مهم بیست‌ساله افغانستان شمرده می‌شدند، اکنون با وضع مقررات سخت‌گیرانه طالبان در وضعیت ناگواری به سر می‌برند. در حال حاضر خبرنگاران و رسانه‌ها در کشور با سانسور شدید، خفقان، سرکوب، بازداشت و عدم دسترسی به اطلاعات آزاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

شماری از خبرنگاران و مسوولان رسانه‌هایی که در داخل کشور فعالیت می‌کنند، در صحبت با روزنامه ۸صبح از محدودیت در دسترسی به اطلاعات و عدم پاسخگویی به‌موقع سخنگویان طالبان شکایت دارند. به گفته آنان، طالبان از گردش آزاد اطلاعات جلوگیری می‌کنند. از نظر این خبرنگاران، سخنگویان طالبان در برخی مواقع اطلاعاتی را با خبرنگاران شریک می‌سازند که هیچ ربطی به اطلاعات تقاضاشده آنان ندارد. به گفته خبرنگاران، طالبان علاوه بر بستن دریچه گردش اطلاعات آزاد و پاسخگویی به‌موقع، به تجسس و بازجویی خبرنگارانی دست می‌زنند که به اطلاعات مهم‌تر و موثق‌تر دست می‌یابند و این امر فعالیت رسانه‌ای را در کشور با بن‌بست مواجه ساخته است.

احمدشکیب دل‌داری (نام مستعار) از خبرنگاران ارشد یکی از رسانه‌هایی است که از داخل کشور فعالیت می‌کند. او که به دلیل بازجویی از سوی طالبان و هراس از منفک شدن، نام مستعار برگزیده است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «روزگاری نه‌چندان دور زبان گویای مردم بودیم، حال خود بی‌زبان شده‌ایم و به کجا صدا بکشیم و کی صدایمان را می‌شنود؟ مجبور هستیم به خاطر رسالت تاریخی و مسوولیت وجدانی و پیدا کردن یک لقمه نان حلال دست از تلاش برای بازتاب حقایق برداریم. هرچند می‌دانیم که اجرای این مسوولیت، چه‌قدر خطرناک و سنگین تمام می‌شود، اما ما مجبور هستیم به اطلاعاتی که

خود طالبان می‌خواهند، بسنده کنیم، ورنه حرف‌های زیادی برای گفتن است که رسانه‌ها نمی‌توانند به آن‌ها بپردازند.»

آناهیتا (نام مستعار) از خبرنگاران زن در حوزه جنوب‌غرب افغانستان است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «زنان خبرنگار ده‌چند به عدم دسترسی به اطلاعات دچار هستند. در کنار این‌که به عدم دسترسی به اطلاعات مواجه هستیم، با تبعیض در دسترسی به اطلاعات هم مواجه هستیم. مثلاً یک همکار آقا می‌رود گزارش تهیه می‌کند. [طالبان] اطلاعات به دسترسش قرار می‌دهند، حالا با مشکل یا بی‌مشکل؛ اما زودتر از ما می‌تواند به اطلاعات دسترسی پیدا کند. ولی برای خانم‌ها اطلاعات به‌زودی به دسترس قرار نمی‌گیرد. برای ما می‌گویند که مکتوب داشته باشیم یا می‌گویند بروید همکار مرد خود را بیاورید، با تو مصاحبه نمی‌کنم. روند اطلاع‌رسانی را برای ما با مشکل مواجه ساخته‌اند.»

این خبرنگار می‌افزاید که به دلیل عدم آرایه اطلاعات به زنان خبرنگار، آنان با مشکلات زیادی مواجه‌اند. او می‌گوید: «همین چند روز قبل یک گزارش داشتیم، متأسفانه سه روز سرش کار کردم، گزارش ساده‌ای بود. اگر همان گزارش در دوره جمهوری سرش کار می‌کردم، شاید سه ساعت وقت را می‌گرفت. بالاخره یا مجبور گزارش را با تأخیر کار کنیم یا از خیر گزارش تیر شویم.» آناهیتا تأکید می‌ورزد: «در کنار عدم دسترسی به اطلاعات، در محافل به ما اجازه نمی‌دهند. به بعضی از اداره‌ها اجازه رفتن نداریم و در برخی از نشست‌ها برای ما اجازه ورود داده نمی‌شود.»

شکیبا بهنام (نام مستعار) خبرنگار دیگری که به قول خودش «پرنده‌ای در قفس» است، در صحبت با ۸صبح می‌گوید: «خبرنگار هستیم، اما خبر به‌موقع، واقعی و حقیقی را بازتاب داده نمی‌توانیم. مثل پرنده‌ای هستیم که پر داریم، اما پرواز نمی‌توانیم. ما که باید زبان گویای مردم باشیم، امروز بیچاره‌تر از مردم بی‌صدا و بی‌پناه شده‌ایم.» او تصریح می‌کند که زنان خبرنگار مشکلات عمیق‌تر و بزرگ‌تر نسبت به مردان خبرنگار دارند. به گفته او «مردان حداقل به مسوولان طالبان زنگ زده می‌توانند که تقاضای اطلاعات کنند. ما که تقاضای اطلاعات هم نمی‌توانیم، گاهی که دل به دریا می‌زنیم، برای‌شان زنگ می‌زنیم، می‌گویند همکار مردتان را بگویید تماس بگیرد یا برای دسترسی به اطلاعات به اداره مراجعه کند. این مصیبت را کجای دل‌مان بگذاریم؟»

با این حال بصیر بشارت، خبرنگار در شمال افغانستان، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که محدودیت در دسترسی به اطلاعات و تأخیر در آرایه اطلاعات از سوی سخنگویان طالبان آنان را با چالش‌های فراوان مواجه ساخته است. به گفته او، در هنگام رخدادهای تازه و مهم، خبرنگاران و رسانه‌ها نمی‌توانند اطلاعات دست اول و تازه را به مردم برسانند و مجبورند به منابع مردمی و اطلاعات پراکنده در فضای مجازی مراجعه کنند. این خبرنگار می‌افزاید: «وقتی انفجاری یا انتحاری رخ می‌دهد یا یک قضیه کلان دیگر زنده‌گی مردم را به چالش می‌کشد، نهادهای مسوول طالبان به پرسش‌های ما پاسخ نمی‌دهند، بناً به شبکه‌های اجتماعی و منابع مردمی رجوع می‌کنیم که در بیشتر مواقع نمی‌تواند از محل دقیق و چگونه‌گی حوادث آگاهی درست حاصل شود و قضایا همچنان پنهان

می‌ماند.»

سهیلا صدیقی (نام مستعار) خبرنگار یکی از تلویزیون‌های خصوصی در کابل است. او در صحبت با ۸صبح وضعیت اطلاع‌رسانی را «تیره‌وتار» توصیف می‌کند. به گفته او، دسترسی به اطلاعات آزاد امروز در افغانستان به یک رویای دست‌نیافتنی مبدل گشته است. این خبرنگار می‌گوید: «با مراجعه مکرر، پاسخ‌های نیش‌دار و تبعیض‌گونه، بازم موفق به دست آوردن معلومات دقیق و به‌موقع نمی‌شویم. معمولاً اطلاعاتی که می‌دهند، ناقص، حتماً غیرموقت است. واقعیت و اصل مسأله هیچ وقت با رسانه‌ها شریک ساخته نمی‌شود.»

در همین حال ظریف کریمی، مسوول دفتر «تی» یا حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که دسترسی به اطلاعات در افغانستان به چالش بزرگی تبدیل شده است. به گفته او، اگر وضعیت به همین منوال ادامه پیدا کند، گلیم دسترسی به اطلاعات برچیده می‌شود. آقای کریمی می‌افزاید که قانون دسترسی به اطلاعات لغو شده و کمیسیون دسترسی به اطلاعات به حالت تعلیق درآمده است و سخنگویان طالبان اطلاعات را با رسانه‌ها در میان نمی‌گذارند. به گفته او، طالبان پیش از این متعهد به همکاری و حمایت از رسانه‌ها شده بودند و تضمین دسترسی به اطلاعات را داده بودند، اما سخنگویان این گروه با خبرنگاران و رسانه‌ها همکاری ندارند.

مسوول دفتر نی علاوه می‌کند: «دسترسی به اطلاعات به پیمان‌های زیادی محدود است. ما در یک‌ساله‌گی سقوط و در پایان سال ۲۰۲۲ یک سروی را انجام داده بودیم که نزدیک به ۹۳ درصد از خبرنگاران افغانستان مدعی بودند که دسترسی به اطلاعات اصلاً وجود ندارد. تنها ۷ درصد باورمند به این بودند که دسترسی به اطلاعات وجود دارد و آن هم خبرنگارانی بودند که با سخنگویان رابطه نزدیک داشتند و به نحوی می‌توانستند اطلاعات اولیه را به دست بیاورند. پایگاه قانونی و حقوقی دسترسی به اطلاعات در افغانستان از بین رفته است. ما باید مبنای قانونی را در دست داشته باشیم تا حکومت رژیم طالبان با برمبنای آن اطلاعات را شریک سازد.»

ظریف کریمی علاوه می‌کند: «هرچه زودتر قانون دسترسی به اطلاعات با تعدیلاتی که وارد می‌شود، نافذ شود. کمیسیون نظارت بر دسترسی به اطلاعات مجدداً ایجاد شود تا بتواند در قسمت نظارت از دسترسی به اطلاعات و شکایاتی که از عدم دسترسی به اطلاعات وجود دارد و فشارهایی که از سوی اداره‌ها بالای خبرنگاران می‌آید، رسیده‌گی کند.»

مسوول نهاد پشتیبان رسانه‌های آزاد افغانستان همچنان می‌گوید: «متأسفانه از یک ماه به این طرف بازداشت، تحقیر و توهین خبرنگاران افزایش یافته است. اخیراً ما شاهد بازداشت محمدیار مجروح از سوی اداره محلی قندهار هستیم. هفته گذشته ما شاهد این بودیم که نیروهای وزارت امور داخله [طالبان] به تلویزیون تمدن هجوم بردند و کارکنان و خبرنگاران را مورد آزار و اذیت قرار دادند. از طرف دیگر ما شاهد بازداشت خبرنگاران در ولایت‌های ننگرهار، خوست و کابل هستیم. مرتضای بهبودی حدود دو ماه قبل در کابل بازداشت شده است.»

خبرنگاران و رسانه‌ها در حالی از عدم دسترسی به اطلاعات شکایت دارند که مرکز خبرنگاران روز جمعه، ۹ جدی، از ثبت بیش از ۲۵۰ رویداد نقض آزادی بیان در افغانستان در سال روان میلادی خبر داده است.

به گفته این نهاد، عاملان نقض آزادی رسانه‌ها به استثنای چند رویداد معدود، طالبان بوده‌اند. همچنان ائتلاف جهانی آزادی رسانه‌ها، افغانستان را به دلیل عدم مطابقت با تعهدات جهانی از این ائتلاف حذف کرده است.

قانون دسترسی به اطلاعات و طالبان

قانون دسترسی به اطلاعات در حکومت پیشین نافذ شد. این قانون به مایه مباحثات مسوولان پیشین وزارت اطلاعات و فرهنگ و مقام‌های ارشد حکومتی نیز مبدل گشت. قانون دسترسی به اطلاعات در سال ۱۳۹۳ خورشیدی از سوی رییس جمهور پیشین توشیح شده بود. این قانون مورد نقد قرار داشت و در سال ۱۳۹۶ خورشیدی پس از تعدیل مجدداً نافذ گردید. تأمین حق دسترسی اشخاص حقیقی و حکمی به اطلاعات اداره‌های دولتی و حصول اطمینان از شفافیت در اجرائات نهادها از مهم‌ترین اهداف تنفیذ این قانون خوانده شده است.

قانون دسترسی به اطلاعات، اداره‌های دولتی را مکلف کرده که مراجع مسوول اطلاع‌رسانی را در تشکیل خود به منظور دادن اطلاعات به‌موقع ایجاد کنند. در ماده دوازدهم این قانون آمده است: «ادارات مکلف‌اند به منظور تأمین حق دسترسی به اطلاعات، مراجع مسوول اطلاع‌رسانی و کارکنان مربوط را طبق لایحه وظایف، مشخص و توظیف نمایند.»

این در حالی است که مهاجر فراهی، معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان، در ماه قوس سال جاری به رسانه‌ها گفته است که قانون دسترسی به اطلاعات برای توشیح به ملا بهت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، فرستاده شده است. اما پس از گذشته سه ماه، هنوز هم از سرنوشت این قانون خبری نیست. پیش از این رهبر طالبان، در نشست عالمان دین وابسته به این گروه در قندهار گفته بود که از احکام شرعی پیروی کنند و قوانین ساخت بشر را کنار بگذارند.

باری، انجمن زنان در رادیو و تلویزیون با همکاری انترنیوز، گفته است که از زمان سلطه طالبان بر کشور تا ماه عقرب سال جاری ۲۳۱ رسانه تعطیل و شش هزار و ۴۰۰ خبرنگار بیکار شده‌اند. سازمان گزارشگران بدون مرز نیز چند ماه قبل گفته است که پیش از ۲۴ اسد ۱۴۰۰، ۵۴۷ رسانه در افغانستان فعالیت داشتند، اما یک سال بعد از آن ۲۱۹ رسانه فعالیت خود را متوقف ساخته و از ۱۱ هزار و ۸۵۷ کارمند رسانه‌ای، ۷۶.۱۹ درصد آنان شغل خود را از دست داده‌اند.

بیشتر این خبرنگاران به دلیل هراس از طالبان به کشورهای اروپایی و یا کشورهای همسایه پناه برده‌اند. خبرنگارانی که پس از روی کار آمدن رژیم طالبان به کشورهای همسایه رفته‌اند، از وضعیت رقت‌بار خود شکایت دارند. هزینه‌های سنگین زنده‌گی، بیکاری، نبود حمایت‌های جدی از خبرنگاران و مشکلات تمدیدی ویژه از مهم‌ترین شکایات‌های آنان است. یک خبرنگار افغان در پاکستان به دلیل مشکلات اقتصادی حاضر شده است حتی یکی از گرده‌های خود را به فروش بگذارد.

در حال حاضر نزدیک به ۱۰۰ کشور جهان در قوانین داخلی‌شان دسترسی به اطلاعات و آرایه اطلاعات توسط حکومت به شهروندان را پذیرفته‌اند، در حالی که در سال‌های ۱۹۹۰ میلادی تنها شهروندان ۱۳ کشور جهان از حق دسترسی به اطلاعات برخوردار بودند.

مبنای حقوقی ساخت کانال قوش تپه در عرف و حقوق بین الملل

کانال قوش تپه از جمله پروژه‌های زیربنایی است که با هدف تأمین آب زراعتی و آشامیدنی مورد نیاز صدها هزار تن از جمعیت و ده‌ها هزار هکتار زمین بکر و بایر در سه ولایت بلخ، جوزجان و فاریاب از آب آمودریا طراحی شده است. سابقه کار روی این پروژه که ره‌آورد آن ایجاد ده‌ها هزار فرصت شغلی و تأمین آب آشامیدنی و غذای مورد نیاز ساکنان گرسنه این ولایت‌ها می‌تواند باشد، به دهه ۵۰ خورشیدی برمی‌گردد.

چکیده

در پاسخ به استفاده‌های یک‌جانبه و خلاف عرف و حقوق بین‌الملل کشورهای شمال آمودریا از آب این دریا که متأسفانه توسط آن‌ها به یک رویه مبدل شده است، افغانستان هم می‌تواند استفاده از آب آمودریا و به‌خصوص شاخه‌های فرعی آن را برای مقاصد زراعتی، صنعتی و تأمین آب آشامیدنی مناطق هم‌جوار آن به‌عنوان یک اقدام بالمثل روی دست گیرد؛ اما با در نظر داشت این که حق در روابط بین‌الملل به معنای برخورداری از آن نیست و دستیابی به حق به ابزارها و وسایلی نیاز دارد که در شرایط کنونی کشور ما در تهیه آن‌ها مشکل دارد. بنابراین، یکی از راه‌های موثر بهره‌برداری از آب آمودریا، استفاده از آب شاخه‌های فرعی آن پیش از اتصال به دریا است، به‌طوری‌که استفاده از آب آمودریا بر مبنای قرارداد منعقد مورخ ۲۸ جدی ۱۳۳۶ مطابق ۱۸ جنوری ۱۹۵۸ با اتحاد شوروی که در تثبیت وضعیت حقوقی آن موثر است، مشروط به توافق دوجانبه دانسته شده، در حالی که برای بهره‌برداری از آب شاخه‌های فرعی آن مانند کوکچه، تخار، کندز و... مطابق حکم جزو ۳ ماده هفتم قرارداد متذکره، هیچ محدودیتی در نظر گرفته نشده است. لذا افغانستان می‌تواند ضمن سرمایه‌گذاری روی شاخه‌های فرعی آمودریا، با آزادی عمل بیشتر ساخت کانال قوش تپه را هم به‌عنوان یک اقدام بالمثل در برابر کشورهای شمال آمودریا، که با استفاده‌های یک‌جانبه از این آب در مغایرت با اصول پذیرفته‌شده در قراردادهای دوجانبه و حقوق و عرف بین‌المللی، حقوق آب افغانستان را به‌عنوان یک کشور مبدا و مجاور آن نادیده گرفته‌اند، روی دست گیرد.

مقدمه

افغانستان، قرغیزستان، تاجیکستان، اوزبیکستان و ترکمنستان کشورهایی‌اند که در حوضه آبریز آمودریا قرار دارند. این کشورها در مجموع به دو دسته تقسیم می‌شوند. کشورهایی که در بالادست آمودریا قرار دارند و سرچشمه‌های آب آن شمرده می‌شوند، شامل افغانستان، قرغیزستان و تاجیکستان می‌باشند که با وجود داشتن سهم قابل ملاحظه در تأمین آب آن، کمترین استفاده را از آن می‌برند. در مقابل دو کشور پایین‌دست که سهمی چندانی در تأمین آب ندارند، بیشترین استفاده را از آب آمو می‌کنند. در این میان افغانستان با وجود آن که بیشتر از ۳۰ درصد آب آمو را تأمین می‌کند و خط ساحلی طولانی با آمو دارد، مورد ظلم مضاعف قرار گرفته است و کمترین استفاده را از آب آمودریا می‌کند. این عدم تعادل ریشه در حضور استعماری اتحاد شوروی در منطقه دارد که پرداختن تفصیلی به آن از حوصله مقال فعلی ما خارج است.

کانال قوش تپه از جمله پروژه‌های زیربنایی است که با هدف تأمین آب زراعتی و آشامیدنی مورد نیاز صدها هزار تن از جمعیت و ده‌ها هزار هکتار زمین بکر و بایر در سه ولایت بلخ، جوزجان و فاریاب از آب آمودریا طراحی شده است. سابقه کار روی این پروژه که ره‌آورد آن ایجاد ده‌ها هزار فرصت شغلی و تأمین آب آشامیدنی و غذای مورد نیاز ساکنان گرسنه این ولایت‌ها می‌تواند باشد، به دهه ۵۰ خورشیدی برمی‌گردد.

از طریق این کانال قرار است نه میلیارد مترمکعب آب از دریای آمو به این ولایت‌ها انتقال داده شده و به مصرف زراعت و سایر نیازهای حیاتی مردم برسد. اجرایی ساختن این پروژه زیربنایی و مهم با دو سوال عمده مواجه است: یکی تمویل پروژه توسط منابع مالی ملی و بین‌المللی و دومی استفاده از آب دریای آمو به‌عنوان یک رودخانه مرزی که هر قطره آن برای کشورهای هم‌جوارش چه در افغانستان و چه در کشورهای شمال آن ارزش حیاتی دارد. نقطه تلاقی این سوالات هم در آن است که تمویل‌کننده‌های بین‌المللی برای تمویل پروژه‌های استفاده از آب در حوضه‌های آبریز مشترک از اصولی پیروی می‌کنند که در قواعد هلسنکی ۱۹۶۶



نویسنده: پوهندوی نجیب‌آقا فهیم - بخش اول

کانال آبیاری قوش تپه که کارهای مقدماتی آن در دهه ۵۰ خورشیدی آغاز شده بود، بزرگ‌ترین پروژه آبیاری در سطح کشور است. قرار است در چارچوب این کانال حدود نه میلیارد مترمکعب آب از دریای آمو برای آبیاری زمین‌های زراعتی، تأمین آب آشامیدنی و سایر نیازهای حیاتی مردم به ولایت‌های بلخ، جوزجان و فاریاب انتقال داده شود. این کانال ۲۸۵ کیلومتر طول دارد که قرار است با عمق شش‌ونیم متر و پهنای ۱۵۲ متر در سه مرحله ساخته شود.

و کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویارک انعکاس یافته‌اند. بنابراین، پاسخ به سوال دومی می‌تواند راه حل پرداختن به سوال اول را هم فراهم کند. به همین دلیل پس از بیان مشخصات پروژه، در ذیل آن به سوال دومی پرداخته می‌شود که سوالی حقوقی بوده و مربوط به وضعیت حقوقی آمودریا می‌شود.

۱- مشخصات پروژه

کانال آبیاری قوش تپه که کارهای مقدماتی آن در دهه ۵۰ خورشیدی آغاز شده بود، بزرگ‌ترین پروژه آبیاری در سطح کشور است. قرار است در چارچوب این کانال حدود نه میلیارد مترمکعب آب از دریای آمو برای آبیاری زمین‌های زراعتی، تأمین آب آشامیدنی و سایر نیازهای حیاتی مردم به ولایت‌های بلخ، جوزجان و فاریاب انتقال داده شود.

این کانال ۲۸۵ کیلومتر طول دارد که قرار است با عمق شش‌ونیم متر و پهنای ۱۵۲ متر در سه مرحله ساخته شود. قابل یادآوری است که پهنای کانال در قسمت کف آن ۸۵ متر و در قسمت بالایی و سطح آن ۱۵۲ متر در نظر گرفته شده است.

احداث کانال در سه مرحله و شکل ذیل برنامه‌ریزی شده است:

مرحله اول ساخت کانال از قوش تپه که نقطه اتصال کانال به آمودریا می‌باشد، شروع شده و با عبور از مناطق خلم، نهرشاهی، حیرتان و بلخ ولایت بلخ، به ولسوالی دولت‌آباد آن ولایت می‌رسد. طول این مرحله ۱۰۸ کیلومتر تثبیت شده است. مرحله دوم آن ولسوالی

دولت‌آباد ولایت بلخ را با گذر از ولسوالی‌های آقچه، مردیان و خواجه دوکوه ولایت جوزجان به ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب وصل می‌کند که طول آن ۱۷۷ کیلومتر است. مرحله سوم، تقسیم آب کانال در شبکه‌های فرعی و انتقال به مزارع در سه ولایت متذکره است.

برای تطبیق مرحله اول پروژه هشت میلیارد افغانی معادل ۸۸ میلیون و ۸۸۸ هزار و ۸۸۸ دالر پیش‌بینی شده بود که پول آن در بودجه ملی پیش‌بینی شده بود و کار عملی آن در بهار ۱۴۰۰ آغاز یافت. تشدید جنگ‌ها و تصرف افغانستان توسط طالبان باعث ایجاد وقفه در کار عملی پروژه شد. پس از وقفه یک‌ساله، دوباره کار مرحله اول پروژه در ۱۰ حمل ۱۴۰۱ شروع شد که براساس آخرین گزارش‌های دریافتی به پایان خود نزدیک است.

اگر تمام مراحل ساخت احداث کانال با موفقیت به پایان برسد، کانال قوش تپه ظرفیت آن را دارد تا در سال نه میلیارد مترمکعب آب را از آمودریا به دشت‌های پهناور بلخ، جوزجان و فاریاب انتقال دهد که در نتیجه آن ۵۸۰ هزار هکتار زمین در افغانستان آبیاری خواهد شد و این تحولی بزرگ در اقتصاد و زندگی مردم شمرده می‌شود.

۲- وضعیت حقوقی آمودریا در قراردادهای دوجانبه افغانستان با اتحاد شوروی
گام نخست در جهت تثبیت وضعیت حقوقی رود آمو - پنج میان افغانستان و همسایه شمالی‌اش اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در ۲۳ جوزای ۱۳۲۵ مصادف با ۱۳ جون ۱۹۴۶ با امضای موافقت‌نامه تعیین خط سرحدی میان نماینده‌گان افغانستان و آن

کشور در مسکو برداشته شد. این موافقت‌نامه دارای پنج ماده و یک پروتکول ضمیمه است. در ماده اول آن آمده است: «خط سرحدی دولتی بین افغانستان و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در دریای آمو و در قسمت کشتی‌رانی دریای پنج در تلویگ خواهد گذشت. اگر تعیین وضعیت تلویگ غیرممکن باشد، خط سرحد در میان فارواتر اصلی این دریاها و در قسمت غیرقابل کشتی‌رانی دریای پنج در میان دریای اخیرالذکر خواهد گذشت. ضمناً جزیره ارال پیغمبر کما فی‌السابق در جزو خاک اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی داخل خواهد بود و جزیره اورته توغای من‌بعد نیز در جزو خاک افغانستان داخل خواهد بود.» مطابق حکم ماده اول موافقت‌نامه فوق‌الذکر، در رود آمو تالوگ به‌عنوان مرز میان دو کشور تعیین شده است که روش معمول تعیین خط مرزی در رودهای مرزی قابل کشتی‌رانی می‌باشد و آن عبارت از «عمیق‌ترین قسمت رودخانه همان جایی است که برای دریانوردی مناسب‌ترین می‌باشد.» در ماده دوم موافقت‌نامه نواحی که در فاصله میان آن‌ها رود آمو خط سرحدی را تشکیل می‌دهد، مشخص شده و در آن آمده است: «تعیین صریح خط سرحد دولتی متذکره ماده اول موافقت‌نامه هذا از قریه خمیاب تا دریاچه زرقول به کمیسیون مختلط مرکب از سه نفر نماینده‌گان هر طرف سپرده می‌شود. این کمیسیون مختلط خط سرحد را که در فوق مذکور است، بالای خریطه ترسیم و تعلق جزایر را معین و در آن‌جا که لازم بداند علایم سرحدی مربوطه را نصب خواهد نمود.» همچنین در یادداشت ضمیمه‌ای که در روز امضای موافقت‌نامه از طرف سفارت کبرای دولت شاهی افغانستان عنوانی وزیر خارجه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی فرستاده شده، آمده است: «جناب آقای وزیر! احترام دارم به اطلاع جناب عالی برسانم که حکومت افغانستان موافقت دارد که در اسرع اوقات ممکنه به تجدید نصب علایم در سرحد خشکی از ذوالفقار الی خمیاب براساس اسناد و خریطه‌های تقسیمات انگلیس و روس سال‌های ۱۸۸۵ - ۱۸۸۸ شروع کند و برای این مقصود باید کمیسیون مختلط افغان و شوروی مقرر شود.»

دومین گام در راه تثبیت وضعیت حقوقی رود آمو در جدی ۱۳۳۶ (۱۸ جنوری ۱۹۵۸) برداشته شد. در آن سال قراردادی میان نماینده‌گان دو کشور هریک: شاه عالمی، سفیر کبیر افغانستان در اتحاد شوروی و گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در شهر مسکو به امضا رسید. در این قرارداد که دارای ۵۱ ماده است و موضوع آن را «رژیم سرحدات مملکتی افغانستان و اتحاد شوروی» تشکیل می‌دهد، بازمهم روی دریای آمو - پنج به‌عنوان خط سرحدی دو کشور تأکید شده و در ماده اول آن آمده است: «خط سرحدی مملکتی بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از ذوالفقار تا زرکول طبق موافقت‌نامه بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مورخه ۱۳ جون ۱۹۴۶ (۲۳ جوزای ۱۳۲۵) و اسناد تعیین سرحد مورخه ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۴۸ و همچنین اسناد تجدید تعیین سرحد مورخه ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۸ که براساس پروتکول‌های تقسیمات سرحد سال‌های ۱۸۸۵ - ۱۸۸۸ تنظیم گردیده است، تعیین می‌شود. (این پروتکول‌های سرحدی در زمان امیر عبدالرحمان خان یکی در دهم سپتامبر ۱۸۸۵ میان سالیسیری، وزیر خارجه انگلستان و سفیر کبیر روسیه در لندن و دومی به دنبال اشغال پنج‌ده توسط روس‌ها در سال ۱۸۸۷ میان نماینده‌گان انگلیس و روس «رجوی وکولبرگ» به امضا رسیده و براساس آن‌ها سرحد افغانستان با روسیه تثبیت گردید.) از زرکول تا ملتقای سرحدات افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری مردم چین سرحد طوری تعیین شده است که در پروتکول‌های تقسیمات سرحدی سال ۱۸۹۵ ذکر گردیده است.»

تصمیم تازه مدیریت ترافیک غزنی؛

جوازهای راننده‌گه دوره جمهوریت فاقد اعتبار است

شماری از راننده‌گان وسایط نقلیه و موترداران در غزنی با انتقاد از این اقدام تازه طالبان می‌گویند، بیشتر افراد طالبان که در سطح شهر به راننده‌گی می‌پردازند، جواز راننده‌گی ندارند، اما به شهروندان عادی دستور می‌دهند که جوازهای راننده‌گی جدید بگیرند. به سخن آنان، عاملان بیشتری رویدادهای ترافیکی افراد طالبان هستند.



صبح، غزنی

راننده‌گی در دوره جمهوریت بر بنیاد فساد مالی توزیع شده است و برای آنان قابل پذیرش نیست. گفتنی است که جوازهای راننده‌گی در حکومت پیشین، پس از یک دور ۱۵ روزه آموزش حرفه‌ای نظری و عملی و پس از تایید کمیته صحی، توزیع می‌شد. از این پیش نیز شکایت‌هایی درباره غیرمسلکی بودن راننده‌گان در بزرگ‌شهرهای کشور وجود داشته و دریافت جواز راننده‌گی در بدل پول نسبتاً گزاف یک امر معمول بوده است، اما اداره ترافیک حق این را نداشت که جوازهای راننده‌گی راننده‌گان و موترداران را به گونه گروهی باطل کند. گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که اداره ترافیک طالبان در غزنی برای کسب درآمد جوازهای راننده‌گی قبلی را باطل کرده و راننده‌گان را وادار می‌سازد تا جواز جدید به دست بیاورند.

این همه در حالی است که با روی کار آمدن رژیم طالبان در تابستان سال گذشته خورشیدی، فعالیت ماموران پولیس ترافیک تا حد زیادی محدود شده بود. تا یک‌ونیم سال پس از حاکمیت طالبان بر کشور، پولیس ترافیک در بیشتر شهرها به شمول پایتخت از راننده‌گان درباره جواز راننده‌گی و جواز سیر موتر نمی‌پرسیدند. اکنون اما این روند در غزنی آغاز شده است. باشنده‌گان ولایت‌های دیگر هنوز در این باره شکایتی نکرده‌اند.

نامش در این گزارش درج شود، می‌گوید که از یک هفته به این سو در حالی دوباره وارد صنف آموزش قوانین ترافیکی شده است که هنوز مدت اعتبار جواز راننده‌گی‌اش هشت ماه باقی مانده است. این راننده می‌افزاید: «برای مردم یک سرگردانی جور کرده‌اند. من ۱۰ سال می‌شود که در روبرو هستم، دو بار لایسنس گرفته‌ام. درس خواندم و امتحان دادم و بعد از آن برایم لایسنس دادند. یک بار هم تمدید کردم.» این راننده توضیح می‌دهد: «یک روز از همین چهارراهی تقریباً ۲۰ نفر را بردند به ترافیکی، چند سوال کردند که برای‌شان جواب دادم، اما گفتند که قبول نیست، یاد ندارید. لایسنس‌ها را گرفتند و مستقیم ما را به صنف بردند. یک هفته است که از کار و غریبی مانده‌ام، درس در یوری می‌خوانم.» او علاوه می‌کند: «کسانی که از اطراف آمده یا همین افرادی که موترهای نظامی را می‌چلانند تمام بی‌نظمی از همین مردم است. یکی‌شان لایسنس ندارد، مگر از آن‌ها کسی پرسان نمی‌کند که کجا است لایسنس‌تان.»

بر بنیاد یافته‌های روزنامه ۸ صبح، هم اکنون جواز راننده‌گی صدها راننده در شهر غزنی از سوی اداره ترافیک طالبان باطل شده و این راننده‌گان مکلف شده‌اند تا دوباره یک دوره آموزشی را سپری کنند. مسوولان مدیریت ترافیک غزنی زیر کنترل طالبان، با تایید این موضوع ادعا می‌کنند که جوازهای

صورت نمی‌گیرد. راننده‌گان توضیح می‌دهند که در یک هفته گذشته همه‌روزه در چهارراهی‌ها و ایست‌های بازرسی ترافیک، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و به بهانه‌های مختلف جوازهای‌شان ضبط و موترشان توقیف داده می‌شود. محمدعوض، جوان ۲۹ ساله، راننده تاکسی شهری در شهر غزنی است. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «من دو سال پیش لایسنس در یوری گرفتم. دو هفته درس خواندم و بعدش لایسنس گرفتم. همین دو روز پیش صبح که از خانه بیرون شدم، از توحیدآباد (محلی در نزدیکی شهر غزنی) درستی داشتم. در پیش دروازه بلخ ترافیک ایستاد کرد که بده لایسنس. برایش نشان دادم، گفت باید بروی به مدیریت، چون این لایسنس سابقه است و باید امتحان بدهی.» محمدعوض می‌افزاید که نزدیک به یک سال از مدت اعتبار جواز راننده‌گی‌اش باقی مانده است، با آن هم در بیم به سر می‌برد که مبادا دوباره در ایست‌های بازرسی مورد بازپرسی قرار گیرد و موترش توقیف داده شود. یکی دیگر از راننده‌گان در شهر غزنی که نمی‌خواهد

بیشتر موترداران و راننده‌گان در دو دهه گذشته با سپری کردن دوره‌های آموزشی و پرورسه طولانی آزمون، جواز راننده‌گی به دست آورده‌اند. اکنون اما اداره ترافیک زیر اداره طالبان در غزنی اعلام کرده است؛ زیرا به باور آنان همه این جوازها بر مبنای فساد اداری و مالی برای افراد توزیع شده است. از همین رو، مدیریت ترافیک غزنی از راننده‌گان خواسته است تا مراحل آموزشی و آزمون راننده‌گی را دوباره سپری کنند و جواز راننده‌گی جدید به دست بیاورند.

شماری از راننده‌گان وسایط نقلیه و موترداران در غزنی با انتقاد از این اقدام تازه طالبان می‌گویند، بیشتر افراد طالبان که در سطح شهر به راننده‌گی می‌پردازند، جواز راننده‌گی ندارند، اما به شهروندان عادی دستور می‌دهند که جوازهای راننده‌گی جدید بگیرند. به سخن آنان، عاملان بیشتری رویدادهای ترافیکی افراد طالبان هستند، اما از سوی اداره ترافیک زیر کنترل این گروه برای آنان هیچ‌گونه ممانعتی

مبنای حقوق ساخت...



که در حوضه آبریز دریاچه آرال موقعیت داشتند، قرار گرفت. پس از آن شورای فنی و علمی وزارت منابع آب اتحاد شوروی محدوده سهمیه‌بندی آب آمودریا میان این جمهوری‌ها را در ۱۲ مارچ ۱۹۸۷ تثبیت کرد. چهار جمهوری آسیای میانه که در حوضه آبریز آمودریا قرار داشتند، موافقت‌نامه سهمیه‌بندی آب آمو را در ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۷ تحت پروتکول ۵۶۶ مورد تصویب قرار دادند که همین پروتکول، هنوز هم مبنای سهمیه آب میان جمهوری‌های متذکره را تشکیل می‌دهد. در پروتکول متذکره ۶۱.۵ میلیارد مترمکعب آب به‌عنوان جریان متوسط سالیانه آب در آمودریا، میان جمهوری‌های چهارگانه سهمیه‌بندی شده و ۲.۱ میلیارد مترمکعب آب هم برای افغانستان در نظر گرفته شده است.

بررسی سابقه موضوع نشان‌دهنده این واقعیت است که با وجود صراحت احکام قراردادهای دوجانبه با اتحاد شوروی مبنی بر عبور «خط سرحدی از وسط دریا، در مناطق غیرقابل کشتی‌رانی»، پذیرش «تالوگ» به‌عنوان خط سرحدی، در جایی که آمودریا قابل کشتی‌رانی است و تاکید ماده ۱۶ قرارداد ۱۹۵۸ مبنی بر این که «مسایل استفاده آب مربوط به آب‌های سرحدی به وسیله موافقت‌نامه مخصوص بین طرفین متعاقد تنظیم می‌شوند» اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۰ بدون در نظر داشت احکام قراردادهای قبلی و در مغایرت با آن‌ها، به‌صورت یک‌جانبه پروتکولی را تصویب کرد که مبنای سهمیه‌بندی آب در میان جمهوری‌هایی که در حوضه آبریز آمودریا قرار دارند، نیز قرار گرفت. تصویب این پروتکول که بعداً مبنای موافقت‌نامه‌های ۱۹۸۷ جمهوری‌های آسیای میانه و ۱۹۹۲ آلماتا قرار گرفت، زمینه را برای استفاده یک‌جانبه از آب آمودریا که یک رودخانه مرزی و مشترک میان افغانستان و کشورهای آسیای میانه است، فراهم ساخت. این کار نقض صریح مفاد قراردادهای دوجانبه با اتحاد شوروی به‌خصوص ماده ۱۶ قرارداد ۱۹۵۸ شمرده می‌شود.

گونه‌های مختلف زیستی را در پی داشته است. از میان رفتن تدریجی صنایع وابسته به ماهی‌گیری نیز از نتایج این امر بوده است. انتشار نمک و ماسه در اراضی اطراف دریاچه آرال که تا هزاران کیلومتر امتداد می‌یابد، اراضی کشاورزی را در معرض نابودی قرار داده است. صحرای قره‌قوم و قزل‌قوم سالانه ۱۱ هزار کیلومتر به وسعت‌شان افزوده می‌شود.

در چند سال گذشته کاهش تولید پنبه، برنج و دیگر محصولات کشاورزی هشداردهنده است. اندر مونی، عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی، دوران رکود را مسبب بروز فاجعه زیست‌محیطی دریاچه آرال خوانده است. فاجعه زیست‌محیطی آرال و وابستگی میلیون‌ها هکتار اراضی‌ای که به کشت پنبه اختصاص یافته بود، بیشتر موضوع مدیریت و تقسیم منابع آب را در میان جمهوری‌های آسیای میانه اتحاد شوروی به یک موضوع حساس تبدیل کرد. برای پاسخگویی به این نیازها، تقسیم آب در جمهوری‌های آسیای میانه به یک موضوع مهم دولت اتحاد شوروی بدل شده و منجر به امضا و تصویب یک رشته پروتکول و قطع‌نامه در دهه ۱۹۸۰ شد. این پروتکول‌ها و قطع‌نامه‌ها، برای سالیان دراز مبنای سهمیه‌بندی آب در میان آن عده جمهوری‌هایی

معادن، زراعت و جنگل‌داری از دریا اختصاص یافته و ضمن تاکید روی اصل جلوگیری از وارد کردن صدمه و زیان به طرف مقابل در همه موارد فوق، حقوق مساوی برای طرفین پیش‌بینی شده است. هر چند استفاده از آب آمو در قراردادی که به موضوعات مختلفی مانند کشتی‌رانی، زراعت، شکار، ماهی‌گیری، استخراج معادن و جنگل‌داری پرداخته شده، باید موضوع اصلی و محوری می‌بود، اما با وجود اهمیت استفاده از آب برای طرفین، به آن به‌عنوان یک موضوع حاشیه‌ای پرداخته شده و در ماده ۱۶ قرارداد ۱۹۵۸ چنین پیش‌بینی شده است: «مسایل استفاده آب مربوط به آب‌های سرحدی به وسیله موافقت‌نامه مخصوص بین طرفین متعاقد تنظیم می‌شوند.» اتحاد شوروی چندان علاقه‌ای به امضای آن نشان نداد، چرا که در غیاب چنین توافقاتی خوب‌تر می‌توانست به‌صورت یک‌جانبه میلیاردها مترمکعب آب از «آب‌های سرحدی» آمو را در قالب پروژه‌های بزرگ از مسیر آن منحرف کرده و توسط آن میلیون‌ها هکتار اراضی اوزبیکستان و ترکمنستان را به مزارع پنبه و سایر حبوبات تبدیل کند.

توسعه اراضی زراعتی در منطقه خشک آسیای میانه و استفاده بی‌رویه از آب برای آبیاری میلیون‌ها هکتار مزرعه پنبه در اوزبیکستان و ترکمنستان، به تدریج باعث کاهش آب ورودی دریاچه آرال شده و از دهه ۶۰ به بعد سال‌به‌سال از وسعت و عمق آن کاسته می‌شد. مساحت دریاچه آرال که تا دهه ۱۹۶۰ چهارمین دریاچه بزرگ جهان و دومین دریاچه بزرگ اوراسیا بود، حدود ۴۰٪ در سطح و ۶۶٪ در عمق کاهش یافته است. کاهش آب دریاچه سبب دگرگونی در ترکیبات معدنی آن و افزایش شدید نمک شده است که به نوبه خود مرگ ماهی‌ها و

در بخش اول قرارداد، مواد اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم آن به بیان احکام مربوط به تعیین علائم و نشانه‌های سرحدی و چگونگی محافظت از آن‌ها اختصاص داده شده است. بخش دوم قرارداد که عنوان آن «آب‌های سرحدی و ترتیب استفاده از آن‌ها و طریقه استفاده از جاده‌هایی که سرحد را قطع می‌نمایند» است، انواع استفاده از آب آمو را مورد توجه قرار داده است که قابل دقت می‌باشد. فقره (۱) ماده هفتم قرارداد «آب‌های سرحدی» را از «آب‌های داخلی» تفکیک کرده و در تعریف آن آورده است که «آب‌های سرحدی به آن قسمت آب‌ها اطلاق می‌شود که طبق مدارک و تعیین و تجدید سرحد افغانستان و اتحاد شوروی سال ۱۹۴۷ خط سرحد از آن عبور می‌نماید.» فقره (۲) ماده متذکره استعمال «آب‌های سرحدی» و «آب دریاهایی که تا سرحد و یا آب سرحدی می‌رسند» را تابع احکام همین قرارداد و موافقت‌نامه‌های مخصوصی که میان حکومت افغانستان و حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به امضا می‌رسد، دانسته و روی احترام «حقوق و منافع متقابل» طرفین در استعمال آب‌ها تاکید کرده است. در فقره (۳) ماده هفتم، با وجودی که آب‌های داخلی به‌صورت مشخص تعریف نشده، اما با اشاره به «اصول عمومی مقررات حقوق بین‌الملل» این گونه آب‌ها خارج از احکام قرارداد دانسته شده و تنظیم رژیم آن‌ها تابع «قوانین داخلی» کشورهای متعاقد پنداشته شده است. فقره (۱) ماده هشتم قرارداد، «استعمال آب‌های سرحدی تا خط سرحد»، «برای هر یک از طرفین قرارداد» را «بدون قید و شرط مجاز» دانسته است. در بخش سوم قرارداد احکام مواد بیست‌و‌دوم تا بیست‌و‌پنجم به انواع استفاده دیگر مانند ماهی‌گیری، شکار، کشف و استخراج

از جلال الدین تاسراج الدین

سراج الدین رهبری نیروی بی‌رحمی را برعهده دارد که عامل کشتار هزاران افغان می‌باشد و در عین حال، رابطه پیچیده و ناگسستنی با استخبارات و اردوی پاکستان دارد. نقش تازه‌ای که برای او می‌تراشند نیز بدون حمایت استخباراتی ممکن نیست. او مثل پدرش به مهره مهم استخباراتی بدل شده است.



سپین‌گل

سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله طالبان، تا دو سال پیش یکی از خطرناک‌ترین افراد این گروه شمرده می‌شد و از سوی پولیس افبی‌آی آمریکا به جرم ارتکاب اعمال تروریستی، ۱۰ میلیون دالر جایزه برای سرش تعیین شده بود. اکنون تلاش‌هایی راه افتاده است تا از او یک چهره قهرمان در فضای سیاسی «شغالی‌شده» افغانستان ترسیم کنند. حقانی از پدرش مولوی جلال‌الدین حقانی، ریاست شبکه حقانی و ادامه نقش متناقضی که از سوی نهادهای استخباراتی ترسیم شده بود را به میراث گرفته است.

سراج‌الدین رهبری نیروی بی‌رحمی را برعهده دارد که عامل کشتار هزاران افغان می‌باشد و در عین حال، رابطه پیچیده و ناگسستنی با استخبارات و اردوی پاکستان دارد. نقش تازه‌ای که برای او می‌تراشند نیز بدون حمایت استخباراتی ممکن نیست. او مثل پدرش به مهره مهم استخباراتی بدل شده است.

پدر سراج‌الدین، جلال‌الدین حقانی پنج سال قبل خبر مرگش به سن ۷۹ سالگی نشر شد. جلال‌الدین در مدرسه مشهور دارالعلوم حقانی، یکی از هزاران مدرسه‌ای که در ایالت پختونخوای پاکستان از سوی استخبارات آن کشور تمویل می‌شود، آموزش دیده است.

جلال‌الدین حقانی در جنگ علیه نیروهای شوروی، ظاهراً فرمانده حزب اسلامی مولوی خالص در جنوب شرق بود، ولی او نسبت به رهبر حزب بیشتر شهرت یافت و برای پسرانش میراث تنظیمی، قدرت و ثروت بسیار به میراث گذاشت. حامیان حقانی، او را قوی‌ترین فرمانده جنگ علیه نیروهای شوروی می‌خوانند و تسخیر ولایت خوست از حکومت نجیب‌الله را بزرگ‌ترین پیروزی‌اش می‌دانند. منتقدان باور دارند که او از آغاز چنان با اردو و استخبارات پاکستان نزدیک بود که زمانی بعد از گلبدین حکمتیار، نازدانه اصلی استخبارات پاکستان در آن سال‌ها، بیشترین کمک را دریافت می‌کرد. به باور مخالفان جلال‌الدین، دلیل موفقیت او در تسخیر خوست، مساعدت بی‌دریغ پاکستان بود. گفته می‌شود که جلال‌الدین با استفاده از کارت قومی و معامله با برخی مقامات رژیم آن وقت، خوست را تسخیر کرد و بعد از آن تجهیزات دولتی و نظامی را چون آهن کهنه به بازار عرضه کرد.

حامیان حقانی می‌گویند که او بعد از سقوط حکومت نجیب، به‌جای شرکت در جنگ داخلی، برای آشتی و میانجی‌گری کوشید؛ اما مخالفانش می‌گویند که جلال‌الدین حقانی در آن جنگ سنگین، نمی‌توانست نقش جدی بازی کند و بخشی از جنگجویانش در صفوف گروه‌های درگیر جذب شده و در جنگ نقش ادا کردند. به باور آنان، او در ظاهر می‌کوشید خود را مشغول میانجی‌گری نشان دهد، ولی در عمل به کمک پاکستانی‌ها زمینه ظهور نیروی تازه‌ای به نام طالب

امتحان شورای طبی بدون حضور دختران برگزار شد

۸ صبح، کابل: اداره ملی امتحانات زیر اداره طالبان امتحان دانشجویان طب عمومی دانشگاه‌های دولتی و خصوصی را بدون حضور دختران برگزار کرد.

شورای طبی روز شنبه، ۲۹ دلو، اعلام کرده است که بیش از ۷ هزار تن از فارغان دانشکده‌های طب دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در این آزمون شرکت کردند. در این آزمون هیچ دختری اشتراک نداشت.

منیژه ملک، فارغ رشته طب دندان در کابل، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که برای این امتحان آماده‌گی کامل داشت، اما در آخرین لحظات فهمید که از دختران امتحان گرفته نمی‌شود. او می‌گوید: «با شنیدن این خبر بسیار مایوس و از زنده‌گی ناامید شدم.»

شورای طبی و اداره امتحانات طالبان آخر هفته گذشته از توزیع کارت برای داوطلبان مرد این آزمون خبر داد؛ اما زمان برگزاری این آزمون برای دختران را مشخص نکرد.

با این حال، ده‌ها دختر فارغ‌التحصیل طب در افغانستان خواستار برگزاری این آزمون هستند. پیش از این شماری از فارغ‌التحصیلان پسر طی نامه‌ای به شورای طبی گفته بودند که نخست باید امتحان دختران اخذ شود؛ اما این شورا به خواست آنان تمکین نکرد.



شورای مقاومت به نشست

امنیتی مونیخ:

با حمایت از نیروی بدیل

طالبان زمینه بازگشت

مردم‌سالاری فراهم شود

۸ صبح، کابل: شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان در نامه‌ای به نشست امنیتی مونیخ، از این کشورهای عضو این نشست خواسته است تا با حمایت از نیروی بدیل طالبان، زمینه بازگشت کثرت‌گرایی، تامین حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق شهروندی و نظام مردم‌سالار را فراهم کنند.

شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان روز شنبه، ۲۹ دلو، با نشر این نامه سرگشاده از سیاست‌های طالبان انتقاد شدید کرده است. این شورا افزوده است که انتظار دارد تا جامعه جهانی از موضع منفعل در قبال مردم افغانستان، تغییر روی کرد داده و نگذارد یک کشور چهل‌میلیونی در کام یک «گروه تروریست و جنایت‌کار» به سوی نابودی کامل سوق داده شود.

گفتنی است که مقام‌های عالی‌رتبه بسیاری از کشورها در شهر مونیخ آلمان گرد هم آمده‌اند تا طی نشست سه‌روزه درباره مهم‌ترین چالش‌های امنیتی تبادل نظر کنند.

از طالبان در این نشست دعوت نشده است.

او که خود را «فاتح» کابل و «خلیفه صاحب» طالبان می‌پندارد، در ولایت خوست طی یک سخنرانی، اخیراً امیرش ملا هبت‌الله را به انحصار قدرت متهم کرده است.

حقانی که گفته می‌شود امیرش در این اواخر درخواست‌های مکرر او برای دیدار را رد کرده، در سخنرانی‌اش در شهر خوست گفته است: «اکنون خود را چنان برحق می‌پنداریم و رای و فکر خود ما چنان بر ما حاکم شده است که تهدید، هدف قرار دادن، بدنامی و انحصار نظام به مزاج ما به یک ابتکار و اساس بدل شده است.» او افزوده است که این وضعیت دیگر قابل تحمل نیست.

بعد از این صحبت‌های سراج‌الدین حقانی، بازی‌گران پنهان و مخاطبان فریب‌خورده، او را چون پدرش پس از سال‌ها کشتار و ترور، قهرمان می‌تراشند و چنان می‌نمایند که گویا سراج‌الدین نجات‌دهنده و صدای مردم بی‌صدا و وطن در مانده است و برای منافع مردم علیه امیر مستبدش صحبت می‌کند.

در افغانستان این گونه بازی‌های متناقض استخباراتی تازه‌گی ندارد. ما در دهه‌های اخیر از این دست چهره‌ها را زیاد شاهد بوده‌ایم که به حمایت شبکه‌های استخباراتی پرورده و مطرح شده‌اند، انسان کشته و با نفرت مردم روبه‌رو شده‌اند و علی‌رغم آن، دوباره فرصت یافته‌اند تا با چهره و نقش تازه به قدرت برسند و قهرمان معرفی شوند؛ اما این فریب دوام نداشته و در نهایت اینان سرنگون شده و نقاب فریب استخباراتی از چهره منفورشان دریده شده است.

سراج‌الدین نیز مثل سایر چهره‌ها از جمله پدرش، بازیگر یک سریال سیاسی است که پایان تلخ برایش خواهد داشت. در جوامعی که توانایی شکل‌دهی میدان و تعیین بازیگران سیاسی‌اش را ندارد، مردم به تماشاچی و ابزار بدل می‌شوند. نسل نو افغان‌ها باید به‌جای تماشای بازی‌های ننگین سیاسی، انسجام یابند و خود به بازیگران فعال میدان سیاست کشور مبدل شوند. در غیر آن، جلال‌الدین‌ها و سراج‌الدین‌ها به میدان خواهند آمد و گروه‌های سیاسی و نظامی خواهند ساخت که برای منافع قشری و شخصی خود کشور را ویران خواهند کرد، مانع رشد و ارتقای جامعه خواهند شد و ملت را به مسیر قهقرا سوق خواهند داد.

در افغانستان باید اکنون این وضعیت تغییر یابد. باید حافظه تاریخی ملت خود را بیدار سازیم تا از گذشته‌ها درس گرفته شود و عاملان برابادی کشور قهرمان معرفی نشوند. مردم باید خاطرات و یادداشت‌های تاریخی گذشته را مرور کنند و به یاد آورند که چه کسانی در برابادی کشور و کشتار وطنداران ما نقش داشته‌اند. باید از خود بپرسیم که آیا با اتکا به افراد و گروه‌های خانی که با کشتار و ویرانی به قدرت رسیده‌اند، می‌توانیم به عزت و آسایش برسیم یا خیر؟

را مهیا می‌کرد. ملا حقانی زیر نقاب کمک به پایان آشوب تنظیمی، در سال ۱۳۷۵ از گروه تازه‌تشکیل طالبان حمایت کرد. در آن دوران او نیروی نظامی کافی برای عمل مستقل را در اختیار نداشت. گفته می‌شود که پاکستان در دور اول حاکمیت طالبان نیاز چندانی به حمایت فرماندهان جهادی سابق نداشت و از این‌رو، جلال‌الدین نیز تا حدود زیادی در حاشیه باقی ماند.

جلال‌الدین حقانی بعد از سقوط حاکمیت طالبان در سال ۲۰۰۱، دوباره به وزیرستان کوچید و زیر چتر حمایت پاکستان، کمپ‌های آموزشی جنگ‌جویانش را فعال کرد. جلال‌الدین به دلیل روابط قومی و نفوذی که در مناطق مرزی نزدیک به وزیرستان داشت و نیز تجارب و روابطی که از دوران جنگ علیه نیروهای شوروی داشت، علیه جمهوری اسلامی و حامیان جهانی‌اش توانست ماشین جنگی موثری را در کنار طالبان فعال سازد. شبکه حقانی، گروه تحت رهبری خانواده حقانی که روابط بسیار نزدیک و پیچیده با استخبارات پاکستان داشت و دارد، خیلی وقت‌ها بسیار بی‌رحم‌تر و وحشتناک‌تر از طالبان در عرصه جنگ ظاهر شد.

شبکه حقانی در جنگ بیست‌ساله علیه جمهوری‌ت، به حمایت آموزگاران و همکاران پاکستانی در مناطق مختلف کشور از جمله در کابل، مسوولیت حملات پیچیده‌ای را برعهده گرفته بود که در آن‌ها غیر از کشتار هدفمند سیاستمداران، هم‌وطنان ما به شکل گروهی و بدون تفکیک ملکی و نظامی کشته می‌شدند. سراج‌الدین حقانی در یکی از سخنرانی‌هایش گفته بود که در آن سال‌ها تنها از شبکه او یک هزار و ۵۰ تن انتحاری انجام داده بودند. از همین رقم وحشتناک انتحاری‌ها می‌توان تعداد نیروهای امنیتی افغان و افراد ملکی که از سوی این گروه کشته و زخمی شده‌اند را حدس زد.

سراج‌الدین قبل از این صحبت‌ها، در عمل خود را مثل پدرش قاتل مشهور معرفی کرده بود. او که پا به پای پدر بی‌رحمش قدم می‌گذارد، اکنون برای منافع سیاسی و تحت رهبری مشاوران استخباراتی خارجی‌اش می‌کوشد تا نقش تازه‌ای برعهده بگیرد. سراج‌الدین حقانی که قبلاً شبکه‌اش جدا از طالبان فعالیت می‌کرد، در سال ۲۰۱۶، بعد از کشته شدن ملا اخترمحمد منصور، رهبر طالبان، شبکه‌اش را ظاهراً در تشکیلات طالبان مدغم کرد و یکی از دو معاون رهبر تازه طالبان، ملاهبت الله آخوندزاده، تعیین شد. معاون دیگر آخوندزاده هم ملا یعقوب تعیین شد.

سراج‌الدین حقانی که ادعا می‌شود مقامات ارشد معامله‌گر جمهوری اسلامی، به دلیل علائق قومی، قدرت را به‌جای طالبان قندهاری به شبکه او واگذار کردند، اکنون از منزوی شدن شبکه‌اش ناراضی است.



مودی در حال شکست در برابر بالیوود است

نویسنده: آنجل وهر

منبع: فارن پالیسی

شاهرخ خان، هنرپیشه هندی، در سال ۲۰۱۰ در فلمی به نام «نام من خان است» که به عنوان نقد اسلامهراسی، ایالات متحده در زمان پس از حملات ۱۱ سپتامبر را به نمایش می گذارد، نقش بازی کرد. داستان در فلم این گونه روایت می شود: شاهرخ خان به ایالات متحده سفر می کند تا با رییس جمهور این کشور ملاقات کند و بگوید که داشتن نام خانوادگی اسلامی نمی تواند او را تروریست نشان دهد. با این حال، در زنده گی واقعی، نام شاهرخ خان او را به یک فرد مورد هدف احزاب مختلف در هندوستان مبدل کرده است.

یک سال پس از این که زندرا مودی در سال ۲۰۱۴ میلادی به نخست وزیری هندوستان رسید، شاهرخ خان گفت که جو ناپردباری در این کشور هنوز هم موجود است که ممکن سرزمین هند را به عصر تاریکی و جهالت برگرداند. دو روز بعد، یوگی آدیتیان، یکی از رهبران ارشد حزب حاکم بهاراتیا جنتا (BJP) و یکی از شرکای اصلی نخست وزیر هند، گفت که شاهرخ خان با زبان تروریست ها گپ می زند و این دید، او را با

اختلافات میان گروهی؛ مسوولان محلی طالبان در بادغیس به قندهار احضار شدند



۸ صبح، بادغیس: پس از آن که در پی اختلافات میان گروهی طالبان یک فرمانده این گروه در بادغیس زندانی شد، رهبر طالبان مسوولان محلی این ولایت را احضار کرده است.

منابع روز جمعه، ۲۸ دلو، به روزنامه ۸ صبح می گویند که والی بادغیس، قوماندان امنیه، رییس استخبارات و فرمانده لوای این ولایت از سوی ملا هبت الله آخوندزاده، رهبر طالبان، احضار شده اند.

به گفته منابع، این مقامها پس از آن احضار شدند که والی طالبان یک فرمانده نامدار این ولایت به نام اسحاق پهلوان را هفته گذشته زندانی کرد.

این فرمانده بانفوذ طالبان در حال حاضر در زندان به سر می برد. هنوز اتهام های وارده به اسحاق پهلوان معلوم نیست.

احتمال می رود که فرماندهان محلی طالبان در ولایت بادغیس در پیوند به این قضیه برکنار و یا تبدیل شوند.

بسیاری از مردم بر این باورند که این کارزارهایی که بر ضد شاهرخ خان و بدنام کردن او آغاز شده، ناشی از تلاش گسترده تر ملی گرایان هندو برای تحقیر کردن اقلیت ها و پذیرش وضعیت ثانوی آن ها در هند است که دارد خودش را به اثبات می رساند.

مغز متفکر حملات تروریستی بمبئی در سال ۲۰۰۸ میلادی برابر می کند. سپس، آدیتیان، شاهرخ خان را تهدید کرد و گفت که اگر توده بزرگی از هندی ها، فلم های او را تحریم کنند، این ستاره هندی بیکار در فلم ها نقش بازی کرده نخواهد توانست. از آن زمان به بعد، گروه های سیاسی زیادی که مرتبط با BJP هستند، به شاهرخ خان بارها حمله ور شده اند.

آخرین حمله گروه های سیاسی به شاهرخ خان بعد از نشر و پخش تریلر تازه ترین فلم شاهرخ خان (Pathaan) بود. در این حمله ملی گرایان هندو و افراد مرتبط با این حزب سه نکته اساسی را به عنوان اعتراض مطرح کردند: اول این که دیپیکا پادوکن، بازیگر نقش زن در فلم «پتان» نباید در یکی از آهنگ های این فلم «بشارام رنگ» بیکینی زعفرانی می پوشید؛ چون زعفران رنگ مقدسی در میان پیروان هندو شمرده می شود. دومین نکته این که بیکینی از چند سانتی متر چنان عریان و نازک بود که حتا فرهنگی های هندو هم نتوانست آن را برتابند. سومین و شاید آشکارترین نکته این بود که آن ها به شاهرخ خان به خاطر اندام متناسبش تهمت زدند و اعتراض کردند که آیا شکم تراش شده (سیکس پک) این بازیگر سرشناس ۵۷ ساله می تواند واقعی باشد یا خیر.

این اتهامات علیه پادوکن خیلی مضحک به نظر رسیدند؛ چون بازیگران زن بالیوود پیش از این نیز رنگ زعفرانی در آهنگ های حسی استفاده کرده اند که هیچ وقت به این اندازه مورد بحث قرار نگرفته اند. نباید فراموش کرد که دیپیکا پادوکن یک دامن سبز و چندین رنگ دیگر نیز در این آهنگ پوشیده است، اما ظاهرا هیچ کس اعتراض نکرده است. حمله این گروه سیاسی اصلا منطقی نبود، اما به شدت شرورانه به نظر می رسید. سپس یکی از معترضان دیگر که بعدها مشخص شد که هنرپیشه است، به شاهرخ خان توصیه کرد که بجای پادوکن برود به دخترش لباس بکینی سبز بپوشاند؛ چون رنگ سبز در اسلام یک رنگ مقدس به شمار می رود.

هارتوش سینگ بال، سردبیر سیاسی مجله «کاروان» در مصاحبه ای تلفونی با «فارن پالیسی» گفت: «اگر دیپیکا در مقابل یک هنرپیشه هندو بیکینی زعفرانی می پوشید، هیچ مشکلی وجود نمی داشت. تمام این اعتراضات و اتهامات به خاطر این است که شاهرخ خان مسلمان است.» پیش از این چندین بازیگر مرد هندی «سیکس پک» خود را به رخ کشیده اند، اما هرگز با چنین تمسخراتی مواجه نشده اند.

بسیاری از مردم بر این باورند که این کارزارهایی که بر ضد شاهرخ خان و بدنام کردن او آغاز شده، ناشی از تلاش گسترده تر ملی گرایان هندو برای تحقیر کردن



اقلیت ها و پذیرش وضعیت ثانوی آن ها در هند است که دارد خودش را به اثبات می رساند. درخواست های مکرری از سوی BJP برای تبدیل هندوستان به یک کشور مذهبی هندوگرا یا کشوری که بیشتر نفوس آن را هندوها تشکیل می دهد، وجود داشته است. به عنوان بخشی از این مناقشه، آن ها به این باورند که می توانند «بالیوود»، بزرگ ترین نیروی فرهنگی و تاثیرگذارترین پیام رسان هند را تحت مدیریت خود در بیاورند.

در همین حال، پس از ترند شدن هشتگ «بایکوت پتان» در توئیتر، کارمندان توئیتر هشتگ «بایکوت بالیوود» را دنبال کردند. سپس چندین توئیتر خوش باورانه نیز از سوی کاربران صورت گرفت و از فلم سازان خواسته شد که فلم نامه های شان را تغییر داده در صف قرار بگیرند و یا هم خطر تحریم کامل را قبول کنند. اما این نخستین بار نیست که بالیوود مورد حمله قرار می گیرد. محققانی که این روند را از اول ماه اگست میلادی تا ۱۲ سپتامبر دنبال کرده اند، هزاران حساب کاربر دروغین را دریافته اند که تنها با هشتگ «بایکوت بالیوود» توئیتر می کردند. جویوچیت پال، یکی از استادان دانشگاه میشیگان که این مطالعه را انجام داده، گفته است که بیش از ۳۰۰ حساب کاربری بیش از هزار توئیتر را در مدت یک و نیم ماه توئیتر کرده که به گفته او، «نشان دهنده یک حرکت سازمان یافته می باشد». علاوه بر این، پال در این تحقیق دریافته که سیاستمداران جوان وابسته به BJP محتوی آن توئیترها را مدیریت می کردند.

درواقع، خشم در رسانه های اجتماعی تشدید گرفت، اما نمی شود گفت که چه تعداد از هندی ها واقعا این اعتراضات را تایید کردند. تحقیقات وبسایت خبری «Wire» نشان داده که بسیاری از اخباری که می خواستند شاهرخ خان را بدنام کنند و خواستار بایکوت فلم «پتان» شدند، نشان دهنده دیدگاه های احزاب سیاسی بودند، نه دیدگاه معترضان واقعی. در همین حال، فلم «پتان» بسیار زیاد به فروش رفت و فراخوان های تحریم فلم های شاهرخ خان را در هند تحت شعاع خود قرار داد. طرفداران شاهرخ خان در سینماهای شهرهای هند و خارج از آن کشور هجوم آوردند تا او را پس از چهار سال وقفه به روی پرده های سینما ببینند. با وجودی که خبرهایی ضد و نقیض در مورد این که شاهرخ خان میلیون ها دالر به پاکستان کمک کرده است و در تشییع مراسم لتا منگشکر، خواننده مشهور هندی، آب می نوشید، پخش شد، اما هواداران این ستاره بالیوود هنوز هم مشتاق دیدن چهره او در سینماها هستند.

زمانی که شاهرخ خان در فلم اش بین ساختمان ها پرید

و صحنه های اکشن انجام داد تا هند را از تروریست ها نجات دهد، تمام هندی ها مفتخر شدند و مشتاق بودند که درخشش شاهرخ خان را در این فلم تحسین کنند. احیای مجدد شاهرخ خان از ژانر عاشقانه به اکشن، تمام هوادارانش را از سراسر جهان به سینماها کشاند. طبق گزارش های اخیر، فلم «پتان» ریکورد باکس آفس هند را شکست و در شانزدهمین روز پس از اکران، نزدیک به ۱۰ میلیون دالر به فروش رسید.

در همین حال، میرا ریزوی، فلم نامه نویس حرفه ای که اجداد مادری اش مانند شاهرخ خان پشتون هستند، می گوید که علاقه چندانی به تماشای فلم نداشت، اما به عنوان اقدامی برای مقاومت در برابر ملی گرایان هندو شرکت کرد و خواست فلم «پتان» را ببیند. ریزوی افزود: «هندوها توسط دولت قدرت گرفته اند و فکر می کنند که می توانند هر کاری بخواهند را انجام بدهند. من به دیدن فلم رفتم تا در کنار شاهرخ خان که در معرض آن قرار گرفته ایستاد شوم و او را حمایت کنم.»

انجو داو، یکی از طراحان فلم های هندی در بالیوود، در مصاحبه با فارن پالیسی گفت که اصلا نمی داند این همه اعتراضات به خاطر چه چیزی است. او همچنان افزود که شاهرخ خان یک بازیگر است و هندوها و مسلمانان هیچ کاری به او ندارند.

با این حال، دو متخصص با تحصیلات عالی در مصاحبه ای با فارن پالیسی، تبلیغات ناسیونالیستی هندوها را واقعیت خواندند. علاوه بر آن، تحلیلگران سیاسی به مجله فارن گفته اند که موفقیت فلم «پتان» نشان دهنده تغییر در کشوری نیست که هنوز هم در دام «ترندرا مودی» و برنامه های سیاسی افراطی تر BJP است. آنان افزودند: «فلم پتان نشان داد که ملی گرایان هندو هنوز توانایی حذف یک ستاره مشهور مسلمان را ندارند؛ مانند هندی هایی که هنوز هم یک بازیکن کریکت مسلمان را تشویق می کنند. اعتراضات بدان معنا نیست که حال و هوای کشور دچار تغییر شده باشد.»

در هفته گذشته، مطبوعات هند گزارش داد که زندرا مودی از وزرای خود خواسته از اظهار نظرهای غیرضروری که بر فعالیت های توسعه دولت سایه انداخته اند، خودداری کنند. در همین حال، انوراگ کیشیپ، فلم ساز هندی، در مصاحبه خود با فارن پالیسی گفت: «این پیام مودی در مورد کنترل طرفدارانش بود. اکنون همه چیز غیر قابل کنترل است. وقتی خاموش می مانید، تعصب و نفرت را تقویت می کنید. اعتراضات حالا آن قدر قدرتمند شده است که به خودی خود یک قدرت است. اکنون جمعیت از کنترل خارج شده است.»

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که در تیراندازی یک مرد مسلح در امریکا ۶ تن به شمول همسر او کشته شده‌اند. نیویارک تایمز روز شنبه، ۱۸ فبروری، گزارش داده که این رویداد در بخش‌های مربوط به شهر می‌سی‌سی‌پی امریکا رخ داده است. این مرد پنجاه و دو ساله ریچارد دیل کرام نام دارد و با استفاده از سه سلاحی که در دست داشته به سوی مردم در یک فروشگاه محلی تیراندازی کرده است. برد لنس، از مقام‌های محلی، گفته که همه قربانیان از شهر کولدواتر بوده‌اند، به استثنای یک زن اهل فلوریدا. به گفته لنس، این ساحه از بخش‌های امن می‌سی‌سی‌پی است که رویدادهای خشونت‌آمیز در آن کمتر رخ می‌دهد.

هالند دیپلمات‌های روسی را اخراج می‌کند

هالند در واکنش به این تصمیم، گفته که کنسول‌گری‌اش در سن‌پترزبورگ را به زودی می‌بندد. روسیه گفته است که در پیوند به این موضوع ابراز نظر رسمی خواهد کرد. تنش در روابط دیپلماتیک میان روسیه و هالند از زمان حمله روسیه بر اوکراین شدت گرفته است. گفتنی است که هالند عضو اتحادیه اروپا است و این اتحادیه در جنگ اوکراین با روسیه، از دولت ولادیمیر زلینسکی حمایت کرده است.



دولت هالند دیپلمات‌های روسی را به جاسوسی متهم کرده و دستور داده که این کشور را ترک کنند. الجزیره، روز شنبه، ۱۸ فبروری، به نقل از مقام‌های دولت هالند گزارش داده که مسکو در پی به دست آوردن اطلاعات از دادگاه کیفری بین‌المللی و دیده‌بان جهانی سلاح‌های شیمیایی در این کشور است. ووپکه هوکسترا، وزیر امور خارجه هالند، گفته که با وجود تلاش‌های متعدد این کشور برای یافتن راه‌حل، روسیه همچنان به تلاش برای جذب افسران اطلاعاتی تحت پوشش دیپلماتیک ادامه می‌دهد.

او تصریح کرده است که هالند به چنین کاری در خاک آن کشور اجازه نمی‌دهد.

به گفته هوکسترا، هالند تصمیم گرفته تا دو هفته دیپلمات‌های روسی این کشور را ترک کنند و همچنان مسکو شمار دیپلمات‌هایش در لاهه را شبیه تشکیلات نماینده‌گی دیپلماتیک هالند در مسکو محدود بسازد. این در حالی است که به گفته هالند، مسکو از دادن ویزا به دیپلمات‌های هالندی در کنسول‌گری سن‌پترزبورگ و سفارت این کشور در مسکو خودداری کرده است.

کاملا هریس: روسیه در اوکراین مرتکب «جنایت علیه بشریت» شده است



را بررسی کرده‌ایم، استندردهای قانونی را می‌دانیم و ابر همین اساس [شکی نیست: این اقدامات جنایت علیه بشریت هستند].

هریس در ادامه خطاب به نیروهای روسیه و مقام‌های آن کشور که دستور جنایات علیه بشریت را داده‌اند، افزوده است: «شما نسبت به اقدامات‌تان پاسخگو خواهید بود.» مسکو تاکنون در این مورد واکنش نشان نداده است. اظهارات این مقام ارشد امریکایی فقط چند روز قبل از اولین سالروز آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین بیان شده است.

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، به تاریخ ۲۴ فبروری سال ۲۰۲۲، دستور حمله نظامی بر اوکراین را داد.

معاون رییس جمهور امریکا هنگام سخنرانی در نشست امنیتی مونیخ، روسیه را به ارتکاب «جرائم علیه بشریت» متهم کرده است.

کاملا هریس، معاون رییس جمهور امریکا، روز شنبه، ۱۸ فبروری، در این نشست گفته است که نیروهای روسیه به‌طور گسترده و منظم جمعیت غیرنظامیان را در اوکراین آماج حمله قرار داده‌اند.

او خطاب به رهبران جهان گفته است: «ایالات متحده رسماً تشخیص داده است که روسیه جنایت علیه بشریت را مرتکب شده است.»

هریس با اشاره به مواردی از کشتار که در شهرهای ماریوپل و بوچا توسط نظامیان روسی روی داده، گفته است: «در مورد اقدامات روسیه در اوکراین، ما شواهد

کری: ۳۰ هزار جنگ‌جوی گروه واگنر در جنگ اوکراین کشته شده‌اند

گروه واگنر ۹ هزار تن در عملیات‌ها هدف قرار گرفته و کشته شده‌اند.

براساس گفته‌های جان کری، ۹۰ درصد از جنگ‌جویان گروه واگنر از ماه دسامبر سال ۲۰۲۲ میلادی به این سو کشته شده‌اند.

این مقام امریکایی در عین زمان تأکید کرده که مزدوران جنگی واگنر در چند روز اخیر دستاوردهای چشم‌گیری نیز در شهر باخموت اوکراین و اطراف آن داشته‌اند.

از تلفات بلند مزدوران جنگی واگنر در حالی خبر داده می‌شود که خبرگزاری اینترفکس روسی روز جمعه به نقل از رییس این گروه گزارش داد که شهر پارسکویوکای اوکراین به‌گونه کامل از سوی واگنر تصرف شده است.

از پارسکویوکا به‌عنوان یکی از گر‌های مهم خطوط دفاعی اوکراین یاد می‌شد.

واگنر یک شرکت نظامی خصوصی است که به نفع ارتش روسیه در اوکراین می‌جنگد.



رسانه‌های بین‌المللی به نقل از جان کری، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا، گزارش داده‌اند که از آغاز تهاجم روسیه بر اوکراین تا کنون ۳۰ هزار جنگ‌جوی گروه واگنر کشته شده‌اند.

الجزیره گزارش داده که سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا این مطلب را روز جمعه، ۱۷ فبروری، در یک نشست خبری بیان کرده است.

به گفته کری، از میان ۳۰ هزار جنگ‌جوی کشته شده

وزیر خارجه آلمان: باید از تشدید تنش هسته‌ای با ایران جلوگیری شود



متمرکز است. او در ادامه سخنانش افزوده است: «به همین شیوه، ما به‌طور کامل همبستگی و حمایت از مردان و زنانی را که در ایران برای [کسب] آزادی خود تظاهرات می‌کنند، اعلام می‌کنیم.»

گفت‌وگوهای احیای برجام میان ایران و قدرت‌های غربی از سپتامبر سال گذشته میلادی وارد بن‌بست شده است. کشورهای غربی با اشاره به پیش کشیدن مطالباتی که از سوی این کشورها «غیرمنطقی» خوانده شده، از سوی جمهوری اسلامی ایران در آستانه نهایی شدن مذاکرات و همچنین سرکوب معترضان ایرانی می‌گویند که احتمال دستیابی به توافق در آینده نزدیک بعید است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز ماه گذشته میلادی از ایران به دلیل ایجاد تغییر اعلام‌نشده در اتصال میان دو خوشه ماشین‌های پیش‌رفته غنی‌سازی یورانیوم با خلوص ۶۰ درصد در «تاسیسات فردو» انتقاد کرد.

بربنیاد گزارش‌ها، وزیر امور خارجه آلمان گفته است که باید از تشدید تنش هسته‌ای با ایران اجتناب شود.

خبرگزاری رویترز روز شنبه، ۱۸ فبروری، به نقل از آنالنا بربوک، وزیر امور خارجه آلمان، در نشست امنیتی مونیخ گفته است که تلاش‌های دیپلماتیک بر این مساله

ادعای پولیس پاکستان: یک تن از مهاجمان بر مرکز پولیس کراچی در افغانستان جنگیده بود

۸صبح، کابل: پولیس پاکستان می‌گوید که یک تن از مهاجمان بر مرکز پولیس کراچی از افغانستان دیدار کرده و در این کشور نیز جنگیده بود.

شبکه آج‌نیوز پاکستان روز شنبه، ۲۹ دلو، به نقل از مقام‌های پولیس آن کشور گزارش داده که این اطلاعات پس از تحقیقات از خانواده مهاجم کشته‌شده به دست آمده است.

به گفته پولیس، کفایت‌الله ۲۳ ساله عضویت تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) را داشت و به‌خوبی آموزش یافته بود.

براساس تحقیقات پولیس، این فرد در حملاتی در ایالت خیبرپختون‌خوا نیز دست داشت.

اعضای خانواده کفایت‌الله گفته‌اند که او پنج ماه پیش از خانه فرار کرده بود و خانواده وی فکر می‌کرد که به افغانستان رفته است؛ اما پس از حمله بر دفتر پولیس در شهر کراچی، متوجه شده‌اند که او در پاکستان بوده

حمله داعش در سوریه ۵۳ کشته برجا گذاشت

اعلام کرده است: «اجساد ۵۳ شهید به شفاخانه رسید که پس از بررسی مشخص شد که مرگ آن‌ها ناشی از شلیک به سر بوده است.»

یک تن از بازمانده‌گان این حمله به خبرنگار سانا گفته است که جنگ‌جویان داعش موترهای شهروندان سوری را در محل آتش زده‌اند.

سوریه بیش از ۱۰ سال می‌شود که دست‌خوش نبردهای خونین میان دولت این کشور و گروه داعش است.

رسانه‌های سوریه گزارش داده‌اند که حمله جنگ‌جویان داعش در این کشور جان ۵۳ تن را گرفته است.

خبرگزاری دولتی سوریه (سانا) روز جمعه، ۱۷ فبروری، گزارش داده که این حمله در جنوب‌شرق شهر السخنه رخ داده است.

براساس گزارش سانا، جنگ‌جویان داعش در حالی بر مردم حمله‌ور شده‌اند که آنان سرگرم جمع‌آوری ترافل (نوعی از غذاهای کمباب) بوده‌اند.

ولید عوده، رییس شفاخانه ملی پالمیرا، در بیانیه‌ای

